

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/03

موضوع: امام جواد (سلام الله عليه) ستاره ویژه آسمان امامت و ولایت الهی!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

نماز استغاثه به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

اشاره ای کوتاه به زندگینامه امام جواد (سلام الله علیه) از ولادت تا شهادت!

شبهه قدیمی سن کم امام جواد (سلام الله علیه) برای امامت مسلمین!

کارخانه حدیث سازی بنی امیه در مقابل احادیث صحیح نبوی!

برنامه «مکتبه اهل بیت» از بهترین نرم افزارهای اسلامی!

آیا از برادران اهل سنت کسی هست که به این سؤال ما پاسخ بدهد؟!

شخصیت امام جواد (سلام الله علیه) از منظر اندیشمندان اهل سنت!

مناظره علمی خیره کننده امام جواد (سلام الله علیه) با «یحیی بن اُکثم»

تماس بینندگان برنامه

حدیث شریف کساء و سَری از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين السلام عليك يا أبا جعفر يا محمد بن علي أيها التقى الجواد يابن رسول الله

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

همچنین عرض تبریک و شادباش به مناسبت شب میلاد امام جواد (علیه آلاف التحية و الثناء). شبی که ان شاء الله بتوانیم عیدیمان را به خاطر مولود و نور چشمی امشب، از حضرت سلطان علی بن موسی الرضا بگیریم.

امشب هم به رسم یکشنبه شبها با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان پرفروغ شما هستیم. برنامه‌ای که در آن این افتخار را داریم از محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بهره مند شویم.

ابتدا سلامی عرض می‌کنیم و عرض تبریک داشته باشیم، سپس به سراغ سؤالات این جلسه می‌رویم. سلام
علیکم و رحمة الله، خدمت شما تبریک می‌گوییم؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بنده هم خدمت حضرتعالی تبریک عرض می‌کنم. همچنین خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلامم را همراه با آرزوی موفقیت و تبریک میلاد حضرت جواد الائمه تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی امام جواد (علیه السلام) سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقية الله الأعظم قرار بدهد و هرگونه گرفتاری در هر خانه و خانواده‌ای هست، به دست والای امام جواد حل کند.

نماز استغاثه به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

ما به رسم روال همیشگی برنامه، دستی به دامن حضرت صدیقه طاهره می‌زنیم و یادی از آن بزرگوار می‌کنیم تا خودمان و شبکه و دین و دنیا و آخرت خود را بیمه آن بانوی دو سرا کنیم.

در رتبه ز انبیاء مقدم زهراست

همتای علی مرد دو عالم زهراست

برگوی به آنکه اسم اعظم جوید

شاید که تمام اسم اعظم زهراست

«مرحوم محدث قمی» در حاشیه کتاب «مفاتیح الجنان» نماز استغاثه حضرت صدیقه طاهره را آورده است با این کیفیت که 510 مرتبه ذکر «یا مولاتی یا فاطمة أغيثینی» گفته می‌شود.

بسیاری از مشکل‌ها و گره‌هایی که به دست بشر حل شدنی و باز شدنی نیست، به دست حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) باز می‌شود.

به رغم آنف تمام وهابیت، بنده گمان نمی‌کنم کسی با حضور قلب نماز استغاثه حضرت صدیقه طاهره را خوانده باشد و نتیجه نگرفته باشد. کیفیت نماز چنین است که 510 مرتبه «یا مولاتی یا فاطمة أغيثینی» می‌گوییم.

امشب هم که شب میلاد حضرت امام جواد است، یادی از آن امام بزرگوار کنیم. در شرح حال امام جواد آمده است زمانی که کودک بودند، امام رضا مشاهده کردند که حضرت سرشان را پایین انداختند و جلوی زانوهایشان را نگاه می‌کنند و در فکر عمیق فرورفتند.

این قضیه مربوط به زمانی که است هنوز امام رضا به مسافرت نرفته بودند. امام هشتم فرمودند: پسر! به چه فکر می‌کنی و از چه جهت این چنین در فکر فرو رفته‌ای؟!

امام جواد (علیه السلام) فرمودند: داشتیم به مادرم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فکر می‌کردم. مادرم چه گناهی کرده بود و چه جرمی مرتکب شده بود که مستحق این همه ظلم و ستم‌ها بود؟!

امیدواریم ان شاء الله با آمدن مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم انتقام خون تمام مظلومان عالم گرفته شود و اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) خوشحال و مسرور باشند، ان شاء الله.

مجری:

ان شاء الله. خیلی ممنونم، خیلی استفاده کردیم. شاید که تمام اسم اعظم زهراست. «یا مولاتی یا فاطمة أغيثینی».

همانطور که همه شما مطلع هستید، این فرصت برای ما غنیمت هست تا در تک تک مناسبت‌هایی که در تقویم ثبت شده، برای ما یک فرصتی هست تا یادی از ائمه اطهار بکنیم و معرفتمان را به آن اهل بیت (علیهم السلام) زیادتیر کنیم.

همین معرفت هست که در نتیجه برای ما ثمربخش خواهد بود. امشب هم منتظر هستیم تا ان شاء الله بتوانیم این فرصتی که به دست آمده را غنیمت بشماریم.

اولین سؤالی که از حضرت استاد مطرح می‌کنیم، راجع به زندگی امام جواد (علیه آلاف التحية و الثناء) و اصل ولادتشان، مدت امامتشان و خلفایی که هم عصر حضرت بودند مختصر مطلبی بفرمایید. ان شاء الله ما هم استفاده خواهیم کرد.

اشاره ای کوتاه به زندگینامه امام جواد (سلام الله علیه) از ولادت تا شهادت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفض أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یا أبا صالح المهدي ادرکنی یا مولاتی یا فاطمة أغيثینی

در رابطه با امام جواد (علیه السلام) آنچه مشهور است، این است که ولادت آن بزرگوار سال 195 هجری قمری صورت گرفته است. طبق آنچه «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدد» صفحه 805 آورده است.

البته بعضی افراد هم از «شیخ مفید» نقل کردند. «إربلی» در کتاب «كشف الغمة» جلد 3 صفحه 142 می‌گوید: ولادت امام جواد در ماه مبارک رمضان بوده است. با این حال طبق آنچه مشهور است، این است که ولادت آن بزرگوار، دهم رجب المرجب بوده است.

مدت امامت امام جواد هم هجده سال بیشتر نبود. در حقیقت حضرت هفت سال با پدر بزرگوارشان امام رضا (علیه السلام) بودند و بعد از او بیست روز کمتر از هجده سال امامت کردند.

در نهایت امام جواد (علیه السلام) به دستور «وائق» حاکم عباسی توسط همسرش، مظلومانه و غریبانه به شهادت رسیدند.

بنابر آنچه «ابن شهر آشوب» در کتاب «مناقب» جلد چهارم صفحه 379 نقل می‌کند، بخشی از عمر حضرت در زمان مأمون گذشت که بخش اعظم زندگی پرغوغای امام جواد (علیه السلام) محسوب می‌شد.

در این بخش از زندگی حضرت، مناظرات و ازدواج آن بزرگوار اتفاق افتاد. سپس «متعصم» و بعد از آن «واثق» روی کار آمد. در نهایت، حضرت در زمان «واثق عباسی» به شهادت رسیدند.

این در حقیقت خلاصه‌ای از ولادت و مدت امامت امام جواد (علیه السلام) بود. سال شهادت حضرت هم، سال 220 هجری بود.

مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنونم. حاج آقا در ضمن فرمایشاتتان یک سؤال مطرح شد که می‌تواند شبهه‌ای باشد. ما زیاد مشاهده کردیم که بهانه جویی‌های مختلف از وهابیت و شیعه نماها در این خصوص صورت می‌گیرد. بالاخره افرادی که می‌خواهند بهانه جویی کنند، راه برایشان باز است.

شبهه قدیمی سن کم امام جواد (سلام الله علیه) برای امامت مسلمین!

در فرمایشات حضرتعالی این نکته بود که امام جواد تنها هفت سال با پدرشان امام رضا هم عصر بودند و با این وجود در هفت سالگی به امامت رسیدند.

قطعاً برای تمام افرادی که می‌خواهند شبهه‌ای پخش کنند و بهانه جویی‌هایی انجام بدهند، جای سؤال می‌ماند.

ما می‌خواهیم نسبت به این شبهه صحبت کنیم که آیا سن پایین حضرت اقتضای این را داشت که بخواهند در آن سن به امامت برسند یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این قضیه باید بگویم که در زمان امام هشتم هم این شبهه مطرح بود، نه اینکه تنها بعد از شهادت و امامت حضرت مطرح باشد.

«مرحوم خزاز» در کتاب «کفایة الأثر» صفحه 324 این قضیه را نقل می‌کند. «مرحوم علامه مجلسی» هم در کتاب «بحارالانوار» جلد پنجاهم صفحه 34 مفصل از قول «ابراهیم بن اَبی محمود» که ملازم حضرت بود، این قضیه را مطرح می‌کند.

این قضیه در طوس اتفاق افتاده است. ایشان نقل می‌کند که من در خدمت حضرت بودم. بعضی از کسانی که خدمت امام هشتم بودند، عرضه داشتند:

«إِنْ حَدَّثَ حَدَّثَ فَإِلَى مَنْ»

اگر برای شما اتفاقی بیفتد، ما به سراغ چه کسی برویم؟

مراد آنها این بود که امام بعد از شما چه کسی است!؟

«قَالَ إِلَى ابْنِي مُحَمَّدٍ»

امام رضا فرمودند: به سراغ پسرم محمد.

«وَكَانَ السَّائِلُ اسْتَضَعَرَ سِنَّ أَبِي جَعْفَرٍ ع»

در این زمان امام رضا در قید حیات بودند و ظاهراً هم خبر دادند که من توسط «مأمون» به شهادت می‌رسم و چالوسی‌ها و اظهار ارادت‌های مأمون تماماً دروغ است.

حضرت به اطرافیان خبر داده بودند که حاکمان ما را به طوس آوردند تا زمینه شهادت ما را فراهم کنند. ان شاء الله به مناسبت امام هشتم در این زمینه صحبت خواهیم کرد.

مجری:

در ضمن همین هم کاملاً از خصوصیات امام رضا مطلع بودند و طبق پیشگویی که انجام داده بودند می‌دانستند بالاخره قرار است امام جواد در این سنین به ولایت و امامت برسند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله.

«فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عِ بْنِ اللَّهِ بَعَثَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ع نَبِيًّا ثَابِتًا بِإِقَامَةِ شَرِيعَتِهِ فِي دُونِ السَّنِّ الَّذِي أُقِيمَ فِيهِ أَبُو جَعْفَرٍ ثَابِتًا عَلَى شَرِيعَتِهِ»

حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا فرمودند: شما تعجب می‌کنید که امام جواد در هفت سالگی می‌خواهد شریعت را به پا بدارد، در حالی که حضرت عیسی بن مریم خیلی کوچک بود که خداوند او را نبی قرار داد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 50،

ص 34، ح 20

حضرت عیسی در قنداقه بودند و چند ساعتی بیشتر از عمرشان سپری نشده بود که به اذن الهی به زبان آمدند و فرمودند:

(قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود) گفت من بنده خدایم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است.

سوره مریم (19): آیه 30

امام رضا فرمودند که حضرت عیسی بسیار کوچکتر از فرزند من امام جواد بود که به نبوت رسید. این قضیه در زمان امام رضا (علیه السلام) اتفاق افتاده است.

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول باب امامت امام جواد، روایتی از قول «علی بن حسان» نقل می‌کند. او می‌گوید که به امام جواد عرض کردم:

«يا سَيِّدِي إِنَّ النَّاسَ يَنْكُرُونَ عَلَيْكَ حَدَاثَةَ سِنِّكَ»

مولای من! مردم بر شما عیب می‌گیرند و امامت شما با سن کم را انکار می‌کنند.

«فَقَالَ وَ مَا يَنْكُرُونَ مِنْ ذَلِكَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّهِ ص»

امام جواد فرمود: آنکه امامت را بر من اشکال می‌کند، قول خداوند عالم را انکار می‌کند که پیغمبرش فرمود:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»

بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

«قَوْلَ اللَّهِ مَا تَبِعَهُ إِلَّا عَلَى عِ وَ لَهُ تَسْعُ سِنِينَ وَ أَنَا ابْنُ تِسْعِ سِنِينَ»

به خدا سوگند مراد از «وَ مَنْ اتَّبَعَنِي» کسی غیر از علی بن ابی طالب نیست که نه ساله بود و من هم نه ساله هستم.

الكافي (ط- الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، تاریخ وفات مؤلف: 329 ق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دارالکتب الإسلامية، تهران، 1407 ق، نوبت چاپ: چهارم، ج 1، ص 384، ح 8

همانطور که قرآن کریم در رابطه با امیرالمؤمنین می‌فرماید که در نه سالگی به شریعت اسلام دعوت می‌کرد، من هم نه ساله هستم و به شریعت اسلام دعوت می‌کنم.

این قضیه نشانگر این است که امیرالمؤمنین اولین کسی بود که به پیغمبر اکرم ایمان آورد و در زمان رسول گرامی اسلام هم برای مردم حجت بود. امیرالمؤمنین مردم را برای شریعت دعوت می‌کرد، نه در عرض رسول اکرم بلکه در طول رسول گرامی اسلام.

عزیزان به این قضیه خوب دقت کنند تا فردا کسی ادعا نکند که آقایان می‌گویند علی بن ابی طالب در زمان پیغمبر اکرم هم پیامبر الهی بود!!

امیرالمؤمنین حجت بود. ما روایات متعدد داریم که از امام صادق (علیه السلام) سؤال می‌کنند که آیا امیرالمؤمنین در زمان پیغمبر اکرم هم حجت بود یا خیر؟! حضرت می‌فرماید: بله حجت بود.

فرمایش حضرت برای مردم واجب الاطاعه بود و بر همگان واجب بود که از علی بن ابی طالب تبعیت و اطاعت کنند. امیرالمؤمنین به چیزی دعوت می‌کرد که پیغمبر اکرم دستور داده بودند. روایت:

«من أطاع عليا فقد أطاعني ومن عصى عليا فقد عصاني ومن عصاني فقد عصى الله»

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج 42، ص

270

را هم شیعه نقل کرده و هم اهل سنت نقل کرده است.

مجری:

چقدر زیباست که ما در قالب این مطلب که ضمناً داریم جریانات امام جواد را بررسی می‌کنیم، بسیاری از شبهاتی که ممکن است در وقت‌های دیگر برای تمام ما به وجود بیاید و از طرف دیگر ممکن است هر وقتی با آنها مواجه شویم را بررسی می‌کنیم.

در قالب همین فرصتی که به وجود آمد، خیلی زیبا اشاره فرمودید که نسبت به امیرالمؤمنین هم ممکن است این سؤال به وجود بیاید که اینک بارها و بارها در شبکه‌های وهابی شاهد این قضیه بودیم.

جدا از جریان امام جواد که این را مطرح می‌کنند، در این طرف هم بسیار زیاد به این مطلب اشاره می‌کند که زمان امیرالمؤمنین هم نمی‌توانیم بپذیریم. به جهت اینکه سن امیرالمؤمنین کم بوده و ما اصلاً اسلام ایشان را نمی‌پذیریم.

با فرمایشات حضرتعالی مشاهده کردیم که امیرالمؤمنین نه تنها اسلام آوردند، بلکه مبلغ راستینی برای اسلام هم قرار گرفتند.

کارخانه حدیث سازی بنی امیه در مقابل احادیث صحیح نبوی!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جناب آقای مرعشی این آقایان تلاش کردند هر فضیلتی برای امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین بوده است، شبیه آن را هم برای خلفا جعل کنند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت هستند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 3، ص 3، ح 11012

بنی امیه هم روایتی با این مضمون درست کردند:

«أبو بكرٍ وَعَمْرُ سَيِّدَا كَهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

ابوبکر و عمر سرور پیران اهل بهشت هستند.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 22، ص 104، ح

257

آن‌ها روایتی درست کرده‌اند که خود هم در آن معطل مانده‌اند. بهشت که جای سالمندان نیست. پیرمردان در بهشت چکار می‌کنند؟! ما آیات فراوان و روایات متعدد از کتب شیعه و اهل سنت داریم که در بهشت همگان به صورت یک جوان رعنا وارد بهشت می‌شوند.

از طرف دیگر مشاهده می‌کنند ما در روایت داریم:

«أول من أسلم بعد خديجة علي بن أبي طالب»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 11، ص 226، ح 20391

شیعه و سنی در این قضیه هیچ شک و شبهه‌ای ندارند. حال وهابی‌ها ادعا می‌کنند علی بن ابی طالب اولین کسی نبود که ایمان آورد، بلکه اولین کسی که ایمان آورد ابوبکر بود.

دوستان عزیز طبق فرمایش مقام معظم رهبری قدری تاریخ را خوب مطالعه کنید تا ببینید چه مسائلی گذشته و چه دست‌هایی در کارخانه حدیث سازی بنی امیه در کار بوده که این احادیث را جعل کردند.

«ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» متوفای 774 هجری دشمن سرسخت شیعه کتابی به نام «البدایة و النهایة» دارد. دوستان مشاهده کنند که ایشان در جلد سوم صفحه 28 می‌نویسد:

«ولقد أسلم قبله أكثر من خمسين»

قبل از ابوبکر پنجاه نفر اسلام آورده بودند.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بیروت، ج 3، ص 28، فصل أول من أسلم من متقدمی الاسلام والصحابة وغيرهم

«تاریخ طبری» جلد 2 صفحه 60 هم آمده است که قبل از ابوبکر پنجاه نفر مسلمان شده بودند. ما کدام را بپذیریم؟!

برنامه «مکتبه اهل بیت» از بهترین نرم افزارهای اسلامی!

دوستان بنده هر آدرسی می‌دهم، بر مبنای برنامه «مکتبه اهل بیت» است که یکی از بهترین نرم افزارهاست.

خداوند روح آیت الله العظمی گلپایگانی را شادتر و مقام عالی ایشان را عالی‌تر بگرداند. بعد از ایشان آیت الله العظمی سیستانی باعث شدند که این نرم افزار راه اندازی شود.

نرم افزار «مکتبه اهل بیت» همان نرم افزاری است که بنده آدرس‌ها را بر مبنای این نرم افزار می‌دهم. درون این نرم افزار حدوداً چهارصد هزار جلد کتاب قرار دارد. سرعت این برنامه طوری است که اهل سنت تا به حال هیچ نرم افزار اسلامی با این سرعت ننوشته‌اند.

به عنوان مثال وقتی شما دو کلمه «کنت مولاه» را سرچ می‌کنید، در کمتر از دو ثانیه چهارصد هزار جلد کتاب را جستجو می‌کند و اسامی بیست و هفت هزار جلد کتاب از کتب شیعه و اهل سنت که این عبارت در آن هست را می‌آورد.

بنده عرض کردم هرچه آدرس می‌دهم غالباً از این نرم افزار است، مگر اینکه از غیر این نرم افزار آدرس بدهم که در این صورت نام این نرم افزار را ذکر می‌کنم.

رسول گرامی اسلام هم فرموده بود:

«أنا مدينة العلم وعلی بابها»

من شهر علم هستم و علی در آن است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 137، ح 4637

بنی امیه هم روایتی جعل کردند و ادعا کردند که پیغمبر اکرم فرموده است:

«أنا مدينة العلم وأبو بكر أساسها وعمر حیطانها وعثمان سقفها وعلی بابها»

تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفکر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 9، ص 20، ح 751

آیا از برادران اهل سنت کسی هست که به این سؤال ما پاسخ بدهد!؟

دوستان عزیز ما، از آقا سعید ناراحت بودند که چرا آمد و گفت که ایشان جهاد مالی داشتند. بنده هدیه به روح پاک امام جواد (علیه السلام) مطلبی عرض کنم.

این بحث هم در «شبکه المستقله» مطرح بود و ما هم بارها در بحث‌هایی که با آقایان وهابی در عربستان سعودی داشتیم، این سؤال را مطرح کردیم که شما از آقای ابوبکر و عمر در طول جنگ‌هایی که در بیست و سه سال بود فعالیت مفیدی سراغ دارید؟!

البته عمر بن خطاب سال دهم هجرت مسلمان شده است. آیا در هشتاد و سه یا هشتاد و چهار جنگی که در طول بیست و سه سال اتفاق افتاده بود، موردی سراغ دارید که ابوبکر و عمر زخمی به یک مشرک زده باشند یا کافری را کشته باشند؟!

وهابی‌ها تا به حال جوابی برای این سؤال نداشتند. «شبکه المستقله» که به قول خودشان هفتاد میلیون مخاطب داشت و اولین شبکه‌ای بود که مناظرات شیعه و وهابیت را راه انداخت، هرچه گشتند جوابی برای این سؤال پیدا نکردند.

«ابن تیمیه» هم بعد از اینکه در رابطه با شجاعت ابوبکر و عمر هیچ مدرکی پیدا نمی‌کند، ادعا می‌کند شجاعت ابوبکر و عمر این بود که دعا می‌کردند تا خداوند عالم اسلام را پیروز کند!! این که علی بن ابی طالب در جنگ‌ها پیروز می‌شد، به برکت دعای ابوبکر و عمر بوده است!! خیلی عجیب است.

شاید برای بعضی افراد جالب باشد که وقتی «ابن تیمیه» می‌خواهد شجاعت امیرالمؤمنین را با شجاعت ابوبکر و عمر مقایسه کند، می‌نویسد:

«والقتال یكون بالدعاء كما یكون بالید»

قتال گاهی اوقات با دعا صورت می‌گیرد، همانطور که با شمشیر صورت می‌گیرد.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانی أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج 4، ص 482

آش به قدری شور شده است که صدای آشپز هم درآمده است. همچنین مشاهده کنید در رابطه با حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ادعایی مطرح می‌کنند. زمانی که رسول گرامی اسلام با حضرت خدیجه ازدواج کردند، ثروت حضرت خدیجه در جزیره العرب بی نظیر بود و ارثی بود که از پدرشان رسیده بود.

در منابع آمده است هشتاد هزار شتر بارهای تجاری حضرت خدیجه را جابجا می‌کردند. ما روایات متعدد داریم که خداوند عالم اسلام را با شمشیر علی بن ابی طالب و اموال حضرت خدیجه پیش برد.

آقا سعید هم آمد و در مورد جهاد مالی ابوبکر صحبت کرد. البته ما خوشحالیم که یک شیعه بیاید و چنین حرفی بزند، اما سؤال اینجاست که با وجود ثروت انبوه حضرت خدیجه آیا رسول گرامی اسلام نیازی به مال داشتند؟!

ما در روایت داریم که پیغمبر اکرم فرمود: با اموال حضرت خدیجه خداوند عالم من را از کمک همه مردم بی نیاز کرد.

در کتاب «صحیح بخاری» نقل شده است خلیفه اول و دوم در مدینه در خانه رسول گرامی اسلام آمدند و عرضه داشتند: "یا رسول الله! گرسنه هستیم و چیزی پیدا نکردیم بخوریم." بنده در جای مناسب این مطالب را مفصل مطرح خواهم کرد.

ما در خصوص فرمایش امام جواد که می‌فرمایند امیرالمؤمنین مردم را به شریعت اسلام دعوت می‌کردند حال آنکه نه سال بیشتر نداشتند، روایات متعدد داریم.

امیرالمؤمنین می‌فرمایند: من اولین کسی هستم که اسلام آوردم. هفت سال قبل از اینکه دیگران نماز بخوانند، من نماز می‌خواندم.

مجری:

بهتر است میان برنامه‌ای ببینیم و بعد از آن این مطلب را هم ادامه بدهیم. بینندگان مدنظر قرار بدهند و سیر بحث از دستشان خارج نشود. ان شاءالله سؤالات بعدی را هم مکرراً از حضرت استاد خواهیم پرسید. فاصله‌ای می‌گیریم و برمی‌گردیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

بازهم این مناسبت میمون و فرخنده را خدمت همه شما بینندگان تبریک و شادباش عرض می‌کنم. ان شاءالله در میلاد نورچشمی امام رضا (علیه السلام) بتوانیم عیدی‌مان را تعجیل در فرج امام زمان تعیین کنیم و این را از حضرت امام رضا طلب کنیم.

بحث راجع به همین مناسبت بود. عزیزانی که به تازگی همراه ما شدند، در جریان باشند که سؤالاتی راجع به مختصری از زندگی نامه امام جواد مطرح شد.

حضرت استاد پاسخ فرمودند و مطالب بسیار زیبایی در تشبیه این کم بودن سن امام جواد و شبهه‌هایی که اهل سنت و مخصوصاً وهابیت در شبکه‌ها انجام می‌دهند، بیان کردند.

استاد در ادامه نسبت به بحث امیرالمؤمنین و اینکه آیا حضرت اولین کسی بود که اسلام آوردند یا افراد دیگر بودند، مطالبی مطرح کردند.

شخصیت امام جواد (سلام الله علیه) از منظر اندیشمندان اهل سنت!

یکی از سؤالاتی که معمولاً همیشه در مناسبت‌ها می‌پرسیم، این هست که نظر اهل سنت نسبت به صاحب این روز و این شب چه بوده است؟! اهل سنت نسبت به امام جواد (علیه السلام) چه صحبت‌هایی داشتند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با امام جواد (علیه السلام) بزرگان اهل سنت مطالبی دارند. بنده بارها گفتم «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد 13 صفحه 120 مطالبی در خصوص امام حسن و امام حسین تا حضرت مهدی مطالبی آورده مبنی بر اینکه ائمه اطهار از نظر علم و تقوا و فتوا و شجاعت و صلاحیت خلافت، سرآمد همه بودند. به دلیل اینکه ما بارها این مطالب را گفتیم، تنها آدرس می‌دهم تا دوستان به این منابع مراجعه کنند. در رابطه با امام جواد (علیه السلام) می‌بینیم «ابن صباغ مالکی» در کتاب «الفصول المهمة» می‌نویسد:

«وإن كان صغير السنّ فهو كبير القدر رفيع الذكر»

اگرچه امام جواد سن کمی داشت، اما جایگاه بلندی داشت و بلند آوازه بود.

«القائم بالإمامة بعد علي بن موسى الرضا»

بعد از حضرت علی بن موسی الرضا منصب امامت را متصدی شد.

الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، نویسنده: علی بن محمد أحمد المالکی ابن الصباغ، وفات: 855، تحقیق: سامی الغریری، چاپ: الأولى، 1422، چاپخانه: ستاره، ناشر: دار الحدیث للطباعة والنشر، ج 2، ص 1035، الفصل التاسع فی ذکر أبی جعفر محمّد الجواد

همین تعبیر را «محمد بن طلحه شافعی» دارد. «ابن تیمیه» با وجود نصبی که دارد، در کتاب «منهاج السنة» جلد چهارم صفحه 68 می‌گوید:

«إن محمد بن علی الجواد كان من أعيان بنی هاشم»

محمد بن علی الجواد یکی از شخصیت‌های برجسته بنی هاشم بود.

«وهو معروف بالسّخاء والسّؤدد»

و به سخاوت و بزرگی شهرت داشت.

کلمه «والسؤدد» به معنای شرف است، به این معنا که از نظر شرف کاملاً زبانزد بود.

«ولهذا سمی الجواد»

و به این خاطر است که به او امام جواد می گویند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج 4، ص 68، فصل قال الرفضی

وكان ولده محمد بن علی الجواد

«جواد» لقب حضرت است، والا اسم مبارکشان محمد بود. وقتی «ابن تیمیه» چنین تعبیری به کار می برد به این معناست که قضیه کاملاً روشن است. آقای «ذهبی» هم در کتاب «تاریخ الإسلام» می نویسد:

«أبو جعفر الهاشمی الحسینی كان یلقب بالجواد، وبالقانع، وبالمرتضى»

سپس می نویسد:

«كان من سروات آل بیت النبی»

امام جواد یکی از شخصیت های برجسته و بلند آوازه آل بیت پیغمبر بوده است.

«وكان أحد الموصوفین بالسخاء، ولذلك لقب بالجواد»

امام جواد یکی از کسانی است که به سخاوت شهرت دارد، به همین خاطر لقب جواد به حضرت داده شده است.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبی، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - 1407 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د.
عمر عبد السلام تدمری، ج 15، ص 385، باب 4

آقای «شبرای» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است و شافعی مذهب و متوفای 1171 هجری است، در
کتاب «الإتحاف بحب الأشراف» صفحه 64 وقتی به امام جواد (علیه السلام) می‌رسد، می‌نویسد:

«و هو أبو جعفر محمد الجواد بن علی الرضا»

در ادامه می‌نویسد:

«و کراماته رضی الله عنه کثیرة و مناقبه شهيرة»

کرامات آن بزرگوار زیاد و منقبت‌های او مشهور است و شهرت دارد.

شرح إحقاق الحق؛ نویسنده: السید المرعشی، وفات : 1411، تحقیق : تعلیق : السید شهاب الدین
المرعشی النجفی، سال چاپ : 1406، چاپخانه: مطبعة الخيام - قم، ناشر: منشورات مكتبة آية الله
العظمى المرعشي النجفي - قم - ایران؛ ج 19، ص 588

آقای «نهبانی» در کتاب «جامع کرامات الاولیاء» صفحه 168 می‌گوید:

«أحد أكابر الائمة و مصابيح الأمة من ساداتنا أهل البيت»

یکی از ائمه بزرگ ماست و چراغ امت اسلامی است و از سادات ما اهل بیت است.

آقای «زرکلی وهابی» در کتاب «الإعلام» جلد ششم صفحه 271 در خصوص امام جواد مفصل می‌نویسد:

«محمد بن علی الرضی بن موسی الکاظم الطالبی الهاشمی القرشی، أبو جعفر، الملقب بالجواد: تاسع

الأئمة الاثني عشر عند الإمامية»

سپس می نویسد:

«كان رفيع القدر كأسلافه، ذكيا، طلق اللسان، قوى البديهة»

از نظر قدر و منزلت همانند اجدادشان هست و از نظر ذکاوت و دقت و بیان خیلی قوی بود.

الأعلام؛ خير الدين الزركلي، وفات: 1410، چاپ: الخامسة، سال چاپ: أيار - مايو 1980، ناشر: دار العلم

للملايين - بيروت - لبنان، ج 6، ص 271، باب محمد الجواد

این‌ها همگی از ویژگی‌های خاص حضرت جواد الائمه (علیه السلام) است. مطالب زیاد است، اما به دلیل اینکه وقت زیادی نداریم اگر سؤال دیگری هست در خدمت شما هستیم.

مجری:

سلامت باشید، تا این لحظه بسیار استفاده کردیم. عزیزان بیننده این فرصت را در اختیار دارند تا هر زمان خواستند از طریق تلفن‌هایی که زیرنویس شده با شبکه تماس بگیرند.

ان شاءالله ما صدای شما عزیزان را داخل استودیو خواهیم شنید و سؤالتان را مطرح خواهیم کرد و پاسخ را از حضرت استاد طلب می‌کنیم.

حاج آقا قبل از اینکه به سراغ تماس‌های بینندگان برویم، موضوعی مطرح است که بسیاری از مواقع ممکن است سؤال بسیاری از بینندگان باشد.

بالاخره در جو مناظره هستیم و در میان بینندگان هم ممکن است قشری باشند که بیشتر با بحث و مناظره اخت شدند و برایشان جذابیت خاصی دارد.

مناظره امام جواد با «یحیی بن اَکثم» زیاد شنیده شده است، اما اگر جزئیات این مناظره را از زبان حضرتعالی بشنویم بسیار بهره مند خواهیم شد.

مناظره علمی خیره کننده امام جواد (سلام الله علیه) با «یحیی بن اَکثم»

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ائمه اطهار (علیهم السلام) اعم از امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره با مخالفین بحث و مناظره داشتند که قضایای آن کاملاً مشخص است.

بعد از آن امام حسن مجتبی و امام حسین مناظراتی داشتند. امام باقر نیروهای غدیری برای مناظره تربیت کردند. امام صادق و حضرت موسی بن جعفر نیروهایی قوی برای مناظره داشتند.

ائمه اطهار (علیهم السلام) در بعضی از موارد شخصاً اقدام به مناظره با مخالفین می‌کردند. یکی از جذاب‌ترین مناظراتی که در تاریخ ائمه اطهار صورت گرفته است، مناظره امام جواد در دوران کودکی با «یحیی بن اَکثم» بوده است.

«یحیی بن اَکثم» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است و ظاهراً در عصر امام جواد و «مأمون» یکی از علمای سرآمد اهل سنت بوده است.

«مرحوم شیخ مفید» یکی از علمای شیعه در کتاب «إرشاد» جلد دوم صفحه 281 این مناظره را مفصل آورده است.

همچنین از میان علمای اهل سنت «ابن حجر هیتمی» متوفای 974 هجری در کتاب «الصواعق المحرقة» صفحه 597 آورده است. «ابن صباغ مالکی» در کتاب «الفصول المهمة» صفحه 255 این قضیه را مفصل است.

این مناظره داستان شیرینی دارد. وقتی «مأمون» می‌خواهد دخترش «أم الفضل» را به ازدواج امام جواد دریاورد، برای عباسیون و بنی عباس بسیار عجیب بود.

برای آنها بسیار سنگین بود که «مأمون» با وجود سوابق گذشته در آمدن امام رضا به طوس و شکست بزرگان اهل سنت به دست امام رضا (علیه السلام) بخواهد دخترش را به عقد امام جواد دریاورد.

این قضیه برای بنی عباس خیلی سنگین بود و به همین خاطر به «مأمون» اعتراض کردند. آن‌ها تصمیم گرفتند مناظره‌ای بین امام جواد و یکی از بزرگان اهل سنت صورت بگیرد تا جایگاه حضرت مخدوش شود و مردم بدانند حضرت هنوز کودک هستند.

قضیه رفتن «مأمون» برای صید و آمدن امام جواد بماند تا در جای خود بحث شود. بنده این عبارت را از کتاب «ابن حجر هیتمی» متوفای 974 هجری به نام «الصواعق المحرقة» کتابی که بر ضد شیعه نوشته شده است، می‌آورم.

ایشان در مقدمه این کتاب می‌نویسد که من دیدم در مکه و اطراف مکه یک سری از جوانان اهل سنت جذب مذهب شیعه می‌شوند. من این کتاب را نوشتم تا عقاید جوانان اهل سنت تقویت شود و به سراغ رافضی‌ها نروند.

ایشان می‌نویسد: آنچه از فضل و علم و کمال و عظمت و استدلال‌های امام جواد با آن سن کوچکی‌شان ظاهر شد، «مأمون» تصمیم گرفت که دخترش «أم الفضل» را به عقد امام جواد دریاورد. عباسیون مانع شدند؛

«فأرسلوا إليه يحيى بن أکثم و وعدوه بشيء كثير إن قطع لهم محمدا»

آن‌ها افرادی را نزد يحيى بن أکثم فرستادند و وعده ثروت زیادی دادند در ازای آنکه بتواند امام جواد را از نظر علمی محکوم کند.

«فحضروا للخليفة ومعهم ابن أكنم وخواص الدولة»

یحیی بن اکنم که را نزد خلیفه آوردند در حالی که افراد خاص دولتی را هم دعوت کردند.

آن‌ها یک جلسه رسمی حکومتی در حضور فرمانداران و استانداران و وزرا و وکلا و افراد خاص دولتی ترتیب دادند تا مناظره «یحیی بن اکنم» که یکی از فقهای بزرگ و مراجع سرشناس اهل سنت بود با امام جواد را مشاهده کنند.

البته آقای «ابن حجر مکی» در اینجا خیانتی کرده است و در رابطه با جریان مناظره می‌نویسد:

«فسأله یحیی مسائل أجابه عنها بأحسن جواب وأوضحه»

یحیی بن اکنم سؤالاتی از امام جواد پرسید و امام جواد هم به بهترین وجه جواب داد و توضیح داد.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، ج 2، ص 597، الفصل الثالث

دوستان عزیز انصاف را نگاه کنید. ایشان هیچ چیز دیگری در اینجا نیاورده است. حال بنده به سراغ کتاب «الإرشاد» اثر «شیخ مفید» می‌روم تا روشن شود که «یحیی بن اکنم» چه سؤالی کرد و قضیه چه بود.

«قَالَ یحیی مَا تَقُولُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي مُخْرِمٍ قَتَلَ صَيْدًا»

یحیی بن اکنم گفت: فدایتان شوم! چه نظری دارید درباره کسی که در حال احرام است و صیدی را کشته است؟

«فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ قَتَلَهُ فِي حِلٍّ أَوْ حَرَمٍ عَالِمًا كَانَ الْمُخْرِمُ أَمْ جَاهِلًا قَتَلَهُ عَمْدًا أَوْ خَطَأً حُرًّا كَانَ الْمُخْرِمُ أَمْ عَبْدًا صَغِيرًا كَانَ أَمْ كَبِيرًا»

امام جواد فرمود: آن صید را در داخل حرم کشته یا خارج از حرم؟ عالم به حرام بودن صید بوده یا جاهل؟ به عمد کشته یا به خطا؟ آن مُحْرِم بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟

لازم به ذکر است که مراد از «حَرَم» مکه و اطراف مکه است.

«مُبْتَدئاً بِالْقَتْلِ أَمْ مُعِيداً مِنْ ذَوَاتِ الطَّيْرِ كَانَ الصَّيْدُ أَمْ مِنْ غَيْرِهَا مِنْ صِغَارِ الصَّيْدِ كَانَ أَمْ كِبَارِهَا مُصْرَباً عَلَى مَا فَعَلَ أَوْ نَادِماً فِي اللَّيْلِ كَانَ قَتْلُهُ لِلصَّيْدِ أَمْ نَهَاراً مُحْرِمًا كَانَ بِالْعُمْرَةِ إِذْ قَتَلَهُ أَوْ بِالْحَجِّ كَانَ مُحْرِمًا»

نخسین صید او بوده یا صید دوباره او؟ آن صید پرنده بوده یا غیر آن؟ اگر پرنده بود، کوچک بوده یا بزرگ؟ مُحْرِم بازهم قصد صید پرنده دارد و مصر است یا تائب؟ این صید در شب و در آشیانه بوده یا در روز و آشکارا؟ محرم برای حج بوده یا عمره؟

«فَتَحْيِرَ يَحْيَى بِنُ أَكْتَمَ وَ بَانَ فِي وَجْهِهِ الْعَجْزُ وَ الْإِنْقِطَاعُ وَ لَجَلَجَ حَتَّى عَرَفَ جَمَاعَةَ أَهْلِ الْمَجْلِسِ أَمْرَهُ»

یحیی بن اکتّم طوری واماند که واماندگی‌اش بر احدی از اهل مجلس پوشیده نماند و همه مردم از جواب امام جواد در شگفت ماندند.

«فَقَالَ الْمَأْمُونُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النُّعْمَةِ وَ التَّوْفِيقِ لِي فِي الرَّأْيِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قَالَ لَهُمْ أَعَرَفْتُمْ الْآنَ مَا كُنْتُمْ تُنْكِرُونَهُ»

سپس مأمون گفت: الحمد لله بر این نعمت و توفیق در جواب دادن، سپس رو به بنی عباس کرد و گفت: حال قبول کردید که علم خاندان اهل بیت برگرفته از وحی است و کسی نمی‌تواند در برابر آنها مقاومت کند؟!

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة

آل البيت عليهم السلام، ج 2، ص 283، فصل شذرات في فضائل الإمام الجواد ع و مناقبه و معاجزه

حضرت سپس کاملاً توضیح دادند که اگر اولین صید شخص باشد، این حکم را دارد. اگر فعل خود را دومرتبه تکرار کرده است، این حکم را دارد. اگر روز بوده چنین حکمی دارد و اگر شب مرتکب شده این حکم را دارد. اگر عبد بوده این حکم و اگر مولا بوده چنین حکمی دارد.

حال بازهم به سراغ کتاب «الصواعق المحرقة» برویم. ایشان پرسش و پاسخی که بین «یحیی بن اکثم» و امام جواد (علیه السلام) رد و بدل شده بود را حذف کرده و در ادامه آمده است:

«فقال له الخليفة أحسنت أبا جعفر فإن أردت أن تسأل يحيى ولو مسألة واحدة»

خليفة گفت: احسنت يا أبا جعفر! حال اگر مایل هستید، شما هم یک مسئله از یحیی بن اکثم بپرسید.

«فقال له ما تقول في رجل نظر إلى امرأة أول النهار حراماً ثم حلت له ارتفاعه ثم حرمت عليه عند الظهر ثم حلت له عند العصر ثم حرمت عليه المغرب ثم حلت له العشاء ثم حرمت عليه نصف الليل ثم حلت له الفجر»

امام جواد پرسید: مردی در ابتدای روز به زنی حرام بود، پیش از ظهر حلال شد، ظهر حرام شد، عصر حلال شد، هنگام غروب حرام شد، پس از عشاء حلال شد، نیمه شب حرام شد و هنگام طلوع فجر حلال شد. حکم این زن چیست و چرا پیوسته حلال و حرام شد؟

«فقال يحيى لا أدري»

یحیی بن اکثم گفت: نمی دانم!

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 597، الفصل الثالث

نقل شده است آقای بلای منبر رفته بود و گفت: هرکسی هر سؤالی دارد از من بپرسد تا با یک کلمه همه را جواب دهم.

شخصی از احکام سؤال کرد، شخصی از تاریخ سؤال کرد، شخصی از عقاید سؤال کرد و حدود سی یا چهل سؤال شد. این شخص گفت جواب همه شما این است: «نمی‌دانم!» گفته بودم که با یک کلمه همه سؤالات شما را جواب می‌دهم!!

مجری:

خوب است حداقل «یحیی بن اکتثم» این هنر را داشت که بگوید «نمی‌دانم». وهابی‌ها همین هنر را هم ندارند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

واقعاً این هنر را ندارند. همچنین مناظره امام رضا (علیه السلام) با «یحیی بن ضحاک» نقل شده است که در منطقه طوس بالاتر از او نبود. ظاهراً این شخص در زمان امام جواد از دنیا رفته بود.

فدای امام رضا شوم! آن بزرگوار مناظره‌ای با «یحیی بن ضحاک» داشت که بنده شاید بیش از پنجاه بار این مناظره را مطالعه کردم. بنده هرگاه این مناظره را مطالعه می‌کنم، لذت می‌برم و از خوشحالی بال درمی‌آورم.

مناظره امام رضا (علیه السلام) با «یحیی بن ضحاک» مناظره عادی نیست، زیرا «یحیی بن ضحاک» می‌خواهد با امام هشتم با القاء شبهه بحث کند.

گاهی اوقات شخصی در مورد مسئله‌ای شرعی سؤال می‌کند یا در خصوص ادله خلافت یا آیه قرآن کریم بحث می‌کند. در مقابل گاهی اوقات شخصی شبهه‌ای را مطرح می‌کند و می‌خواهد با طرح شبهه مناظره را آغاز کند.

امام رضا در برابر یک شبهه او چندین شبهه مطرح کرد به طوری که «یحیی بن ضحاک» هاج و واج مانده بود که چه بگوید.

«مأمون» به «یحیی بن ضحاک» گفت: چرا جواب نمی‌دهی؟! «یحیی بن ضحاک» گفت: جوابی برای گفتن ندارم. تمام شبهات امام رضا وارد است، اما شبهه من وارد نبود!!!

این افراد ضرب شصت امام رضا را دیده بودند، اما خواستند بازهم قضیه را تکرار کنند تا تلافی شکست «یحیی بن ضحاک» را با «یحیی بن اَکثم» جبران کنند.

مجری:

غافل از اینکه خودشان دوباره مبهوت خواهند شد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده تنها یک جمله بگویم. حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس تمام تلاش خود را به کار می‌بردند تا نقطه ضعفی از ائمه اطهار (علیهم السلام) بگیرند و آن را به بوق و کرنا بگذارند.

در مقابل مشاهده کردید هرگاه بحثی از ائمه اطهار به میان آمده است، یکی از ویژگی‌هایی که بحث ما داشت این بود که گفتیم اقوال علمای اهل سنت نسبت به این امام چیست.

ما چند روز در شهادت امام هادی (علیه السلام) بحثی داشتیم. یکی از سؤالاتی که دوستان مطرح کردند، این بود نظر علمای اهل سنت نسبت به امام هادی چیست.

ما نظر علمای اهل سنت نسبت به امام هادی، امام رضا، امام جواد، امام حسن عسکری، امام کاظم، امام صادق، امام باقر (علیهم السلام) را مطرح می‌کنیم.

اصلاً یکی از ویژگی‌های بحث ما این است که بیاییم اقوال بزرگان اهل سنت را نسبت به این بزرگواران مطرح کنیم تا مردم بدانند این حکومت‌ها با وجود تمام تلاشی که می‌کردند تا از آنها نقطه ضعف بگیرند، نتوانستند سر سوزن نقطه ضعفی پیدا کنند.

بنابراین علمای اهل سنت مجبورند که زبان به مدح ائمه اطهار بکشایند. حال بعضی از وهابی‌ها هم حرف‌هایی می‌زنند که به قول معروف از کوزه برون همان تراود که در اوست!!

بعضی افراد هم بعضی مطالبی گفته‌اند که باید بگوییم: عاقلان دانند. مردم باید خودشان قضاوت کنند.

مجری:

حاج آقا بسیار زیبا فرمودید، دست شما درد نکند، خیلی استفاده کردیم.

نشسته‌ام بنویسم گدا نمی‌خواهی؟

میان خانه خود بینوا نمی‌خواهی؟

خواه که تیره اگر بنگری طلا گردد

تو علم و معجزه و کیمیا نمی‌خواهی؟

خدای جودی و جود خدای مّانی

به سائلت عطا کن یا جواد ادرکنی

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». باز هم این مناسبت میمون و فرخنده را خدمت همه شما بینندگان تبریک عرض می‌کنم.

تماس بینندگان برنامه:

در این زمان آخر به سراغ تماس‌های شما بینندگان برویم. بدون فوت وقت تماس اول جناب آقای سلیمی از تهران هستند. جناب آقای سلیمی صدای شما را می‌شنویم، بفرمایید:

بیننده (آقای سلیمی از تهران - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت مجری محترم و همچنین سلام عرض می‌کنم خدمت حضرت استاد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

بنده دو سؤال از حاج آقا داشتم و می‌خواستم نظرشان را در خصوص این سؤال بدانم. سؤال اول اینکه چرا در حدیث کساء خداوند پنج تن آل عبا را با نام حضرت فاطمه زهرا معرفی می‌کند؟! سؤال دوم از کتاب «صحیح مسلم» است که آمده است:

«قال رسول الله إنما فاطمة بضعة مني يؤذيني ما آذاها»

صحیح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، الناشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1902، ح 94

استاد خودشان می‌دانند که باید «یؤذینی من آذاها» می‌آمد. «ما» برای غیر انسان می‌آید و چرا در اینجا «ما» آمده است؟! بنده می‌خواستم جواب این دو سؤال را از حضرت استاد بپرسید و نظرشان را بدانم.

مجری:

ان شاءالله، بسیار خوب. جناب آقای سلیمی از تهران از شما خیلی تشکر می‌کنیم که با برنامه خودتان تماس گرفتید و این دغدغه خودتان را مطرح کردید. آقای علی از اراک پشت خط هستند. آقا علی صدای شما را می‌شنویم، بفرمایید:

بیننده (آقا علی از اراک - شیعه):

سلام عرض کردم، خسته نباشید.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله، سلامت باشید.

بیننده:

می‌لاد امام جواد را خدمت شما بزرگواران تبریک عرض می‌کنم.

مجری:

ان شاءالله بر شما هم مبارک باشد، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

بنده می‌خواستم چند مطلب را خدمت شما متذکر شوم. اولین مورد بحث انتقاد بود، البته انتقاد بنده بر شما و شبکه شما وارد نیست.

بنده گاهی از اوقات در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌بینم برخی از روحانیون شیعه و کسانی که صاحب تریبون هستند، مطالبی می‌گویند که نمی‌دانم آنها را بر چه اساسی مطرح می‌کنند.

همین مطالب باعث می‌شود که آب در آسیاب دشمن ریخته شود. در حال حاضر دشمن ده‌ها شبهه را از صحبت‌های این افراد بیرون می‌آورند و برای برخی از شیعیان سؤال و شبهه ایجاد می‌کنند.

انتقاد بنده این است که چرا همه مطالب را در همه جا بازگو می‌شود. همه افراد پذیرش و علم یکسان ندارند که بخواهند این صحبت‌ها را به درستی متوجه شوند.

همین شبهه‌ای که بنده می‌بینم برخی جاها مطرح می‌شود، بحث علم غیب است که آیا غیر از خداوند کسی دارای علم غیب هست یا خیر؟ خدا به حاج آقا قزوینی خیر بدهد که این مطالب را در چند جلسه جواب دادند.

آیا قرآن کریم در آیه 65 از سوره مبارکه کهف در داستان حضرت خضر نبی با حضرت موسی کلیم مگر حضرت خضر سه مورد علم غیب را برای حضرت موسی بازگو نمی‌کند و آن بزرگوار را از این موارد باخبر نمی‌کند؟!

آیا این خود علم غیب هست یا خیر؟! این مطالب به زیبایی و صراحت در قرآن کریم وارد شده است.

مسئله اولی که عرض کردم بسیار برای جامعه شیعه مسائلی درست می‌کند. برخی از روحانیون مطالبی را می‌گویند که همین مطالب به شبهه تبدیل می‌شود.

من نمی‌خواهم وقت برنامه را بگیرم. در داستان «منصور حلاج» چه اتفاقی افتاد که این آقا را کشتند یا به دار آویختند؟! اطرافیان نمی‌توانستند صحبت‌های این شخص را بفهمند، علی‌رغم اینکه صحبت‌های او درست بود. «حافظ» در این خصوص می‌گوید:

منصور بر سر دار این نکته خوش سراید

از شافعی می‌رسید امثال این مسائل

ما نباید انتظار داشته باشیم که همه افراد همه مطالب را به درستی بفهمند. انتقاد دیگری که دارم، این است که در رسانه‌های شیعه بحث ظهور حضرت صاحب الزمان را خیلی آسان می‌گیرند و به این مسئله ساده نگاه می‌کنند.

والله قسم با این شرایطی که الآن در جامعه شیعه ما حاکم هست، ما حالا حالاها نباید منتظر ظهور باشیم. موانع بسیاری در سر راه است و عدم آگاهی و شناخت شیعیان از این مسائل باعث می‌شود که این ظهور عقب بیفتد.

بنده از شما عاجزانه التماس می‌کنم که در بحث ظهور و چگونگی اتفاق ظهور، مردم را آگاه کنید. مردم را متوجه کنید که ظهور به زمینه سازی آگاهی احتیاج دارد و تنها با دعا کردن صرف، اتفاق نمی‌افتد. باید موانع برطرف شود.

بنده از شما و برنامه خوبتان هم بسیار تشکر می‌کنم. شما واقعاً آن چیزی که در طبق اخلاص و توانتان هست را انجام می‌دهید، اما خواهش می‌کنم در بحث آگاهی سازی و آگاه شدن مردم از بحث ظهور و زمینه سازی ظهور هم برنامه‌هایی داشته باشید.

ممنونم از شما، خدا خیرتان بدهد.

مجری:

آقا علی از شما خیلی تشکر می‌کنیم که با برنامه خودتان «حبل المتین» همراه بودید. ان شاء الله که چنین برنامه‌هایی بوده و همچنان هم انتقادات و پیشنهادات شما بیش از پیش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جناب آقای علیزاده از کرج پشت خط هستند، آقای علیزاده در خدمت شما هستیم، بفرماید:

بیننده (آقای علیزاده از کرج - شیعه):

سلام عليكم خدمت شما آقای مرعشی و حاج آقا قزوینی و عرض تبریک میلاد حضرت جواد الائمه به همه شیعیان.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

بیننده:

حاج آقا وهابیون و تعدادی از برادران اهل سنت از یک طرف می گویند که ما امیرالمؤمنین را به عنوان خلیفه چهارم قبول داریم و حضرت را دوست داریم و به آن بزرگوار احترام می گذاریم.

همچنین از طرف دیگر «ابن تیمیه» که به او «شیخ الإسلام» می گویند، در کتاب «منهاج السنة» جلد 5 صفحه 47 نقل می کند که یکی از خوارج حضرت علی را کشت و او «عبدالرحمن بن ملجم» بود. او یکی از عابدترین مردمان زمان و از اهل علم بود!!

آن ها از یک طرف به قاتلان خلیفه سوم عبارت فاسق و ظالم می دهند. بنده می خواستم عرض کنم که هم خدا و هم خرما نمی شود. اگر امیرالمؤمنین را دوست دارید، نمی توانید دشمن حضرت را هم دوست داشته باشید.

مطلب دوم اینکه شما زمانی که در «شبکه جهانی ولایت» بودید، یک قرعه کشی داشتید و ارقام و اعدادی نقل می کردید. دیروز در یکی از شبکه های وهابی یکی از بینندگان تماس گرفته بود و در رابطه با شما حرفی زد.

بنده به این شبکه چند بار زنگ زدم و جواب ندادند، به همین خاطر می خواهم از اینجا مطلب خود را بگویم.

بنده به این شخص می گویم: آقای «هاشمی»! خوشبختانه یا متأسفانه بزرگان ما اجازه نمی دهند پاسخ بدهیم. به دلیل اینکه دست شما از منطق خالی شده است، به این حرف ها رو می آورید و بینندگان هم همینطور هستند.

ما هم سؤالاتی داریم، اما اجازه نمی‌دهند از شما بپرسیم. ما سؤالاتی داریم که با سند و مدرک می‌توانیم از شما بپرسیم، اما بزرگان ما اجازه نمی‌دهند بپرسیم.

حاج آقا اگر شما اجازه بدهید، ما هم بلدیم یک سری از سؤالات را از این آقایان بپرسیم. خیلی ممنونم و از برنامه خوبتان تشکر می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

عزیزم موفق و مؤید باشید. خداوند به شما جزای خیر عنایت کند.

مجری:

سلامت باشید. تشکر می‌کنیم آقای علیزاده که از کرج همراه برنامه خودتان بودید. جناب آقای ثنایی از کرمان پشت خط هستند. آقای ثنایی صدای شما را می‌شنویم؛

بیننده (آقای ثنایی از کرمان - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله. خدمت حاج آقا سلام عرض می‌کنم و ولادت امام جواد را تبریک عرض می‌کنم.

بنده امروز با یکی از وهابی‌ها مناظره می‌کردم، اما بنده سند موثق روایت آتش زدن منزل حضرت فاطمه زهرا را نداشتم.

بنده از شما خواهش می‌کنم که اگر امکان دارد آدرس‌ها را زیرنویس کنید تا ما آنها را بلد باشیم. همچنین اگر قرار هست کتاب‌هایش را بخریم یا جایی نیاز هست به فرزندانمان نشان بدهیم. این افراد همه چیز را کتمان می‌کنند.

بنده در جریان سقیفه بنی ساعده گفتم: اولاً خداوند متعال و رسول الله جانشین تعیین کردند. دوماً مگر مسلمانان مسجد نداشتند که این افراد شبانه در سقیفه جمع شدند.

سوما چرا نیامدید رسول الله را تشییع جنازه کنید و محترمانه با حضور خانواده رسول گرامی اسلام جانشین انتخاب کنید؟!

اینطور جانشین انتخاب کردن نشانگر این است که توطئه‌ای در کار بوده است که شبانه عده‌ای به آنجا رفتند و می‌خواهند بر علیه افراد دیگری کاری انجام دهند.

من از شما خواهش می‌کنم اگر امکان دارد این مطالب را برای اطلاع بیشتر ما زیرنویس کنید تا ما بتوانیم با وهابیت صحبت کنیم.

مجری:

آقای ثنایی تمامی صحبت‌هایی که در جلسه می‌شود و تمامی مطالبی که حضرت استاد می‌فرمایند، آرشیو شده موجود است. همچنین متن این مطالب با فاصله یک هفته نهایتاً ده روز در سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» بارگذاری می‌شود.

تمامی این مطالب مکتوب هست. زمانی که مکتوب باشد، تک تک این روایات با آدرس گفته می‌شود. این مطالب هم در لفظ گفته می‌شود به این ترتیب که حضرت استاد تمامی مدارک و مستندات را نشان می‌دهند و لفظشان برده می‌شود.

همچنین اگر هم جایی ذکر نشده باشد، عزیزان «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» تمامی آدرس‌های این مطالب را مکتوب می‌کنند و به راحتی در دسترس همه شما عزیزان قرار می‌گیرد.

آقای ثنایی از شما تشکر می‌کنیم که با برنامه خودتان همراه بودید. جناب آقای احمدی از مشهد مقدس پشت خط هستند. جناب آقای احمدی صدای شما را می‌شنویم:

بیننده (آقای احمدی از مشهد - شیعه):

سلام، خسته نباشید.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

بنده هم از حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و هم از جنابعالی و هم از عوامل پشت صحنه تشکر می‌کنم. ان شاءالله بنده برای همه بزرگوارانی که دست اندرکار هستند دعا می‌کنم، خدا خیرتان بدهد.

مجری:

سلامت باشید، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

بنده از حضرت استاد سؤالی داشتم. حضرتعالی در خصوص ماجرای ازدواج حضرت أم کلثوم و عمر بن خطاب در مقالات و برنامه‌های مختلفی صحبت کردید.

در این موضوع چند مورد تشکیک شده است. مورد اول اینکه آیا حضرت أم کلثوم خودشان وجود داشتند یا خیر؟ مورد دوم اینکه با عمر بن خطاب ازدواج کردند یا خیر؟ مورد سوم اینکه دختر حضرت علی بودند یا ربیبه بوده است؟!

بغض امیرالمؤمنین به عمر بن خطاب مسئله‌ای است که در جای دیگری ثابت می‌شود. بنده می‌خواهم ببینم در نهایت چه اتفاقی افتاد؟

در تمامی این مسائل تشکیک شده است، اما نتیجه آخر این مسئله چیست؟! آخر شخصی به نام أم کلثوم با عمر بن خطاب ازدواج کرده است یا خیر؟!

حال اینکه دلیل ازدواج چه بود یا اینکه امیرالمؤمنین به عمر بن خطاب بغض داشتند، ثابت است. بنده می‌خواهم ببینم نتیجه کلی بحث چیست و در نهایت این مسائل اتفاق افتاده است یا خیر.

مجری:

بسیارخوب، سلامت باشید، جناب آقای احمدی خیلی تشکر می‌کنیم که با برنامه خودتان همراه بودید. آقای اسرافیل از تهران پشت خط هستند. در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای اسرافیل از تهران - شیعه):

با عرض سلام خدمت شما و استاد بزرگ آقای قزوینی. جناب آقای مرعشی من خیلی وقت شما را نمی‌گیرم و کمتر از یک دقیقه عرضی خدمت شما مطرح می‌کنم.

من چند وقت پیش سوار یک ماشین شدم که دو مسافر هم داشت. راننده با آنها راجع به دین صحبت می‌کرد و می‌گفت که شیعیان چنین و چنان هستند، به دین ما برگردید.

بنده گفتم: شما بر چه دینی هستید؟! راننده گفت: مسلمان هستم. من گفتم: مذهب شما هست؟ راننده گفت: مذهب من هم مسلمانی است. من گفتم: به چه شیوه‌ای نماز می‌خوانید؟ راننده گفت: دست بسته.

بنده گفتم: شما مرا به دینی دعوت می‌کنید که خودتان هم خجالت می‌کشید بگویید اهل سنت هستم. بنده این حرف را به خاطر آقا سعید زدم.

آقا سعید علی رغم اینکه سنی است، مطمئن باشید وهابی است. ایشان خود خجالت می‌کشد بگوید من سنی یا وهابی هستم و به نام شیعه می‌آید، آنوقت انتظار دارد ما به دین او برویم.

بنده جدی عرض می‌کنم و هیچ کینه‌ای هم از ایشان ندارم، اما مطمئن هستم با حرف‌هایی که می‌زنند اگر انسان قدری عقل خود را به کار بیندازد می‌فهمد که ایشان از چه و کجا صحبت می‌کند.

بیخشید از اینکه مزاحم شما شدم و وقت شما را گرفتم. یا علی مدد، خدانگهدارتان باشد.

مجری:

یا علی مدد، خیلی تشکر می‌کنیم از تماستان جناب آقای اسرافیل که از تهران با ما همراه بودید. جناب آقای رجبی از بابل پشت خط هستند. آقای رجبی در خدمت شما هستیم و صدایتان را می‌شنویم:

بیننده (آقای رجبی از بابل - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

من به مناسبت این ایامی که هست و امروز که ولادت امام جواد هست، می‌خواهم سؤالی از محضر حاج آقا بپرسم. امکانش هست؟

مجری:

در خدمت شما هستیم، بفرمایید.

بیننده:

همانطور که همگان مستحضر هستیم، امام جواد در سنین طفولیت امامت را بر عهده می‌گیرند. در کتب کلامی شیعه هم گفته شده است یکی از شئون امام، حس مصالح و رهبری جامعه است. چطور یک کودک شش ساله مصالح جامعه را تشخیص بدهد؟!

بنده با اصل این قضیه که یک طفل امامت را بر عهده بگیرند مشکلی ندارم و این قضیه حل شده است. حال چطور ممکن است یک کودک شش ساله شئون امامت و رهبری جامعه را انجام بدهد؟! اگر حاج آقا عنایتی داشته باشند، این سؤال را پاسخ دهند.

مجری:

بسیار خوب، جناب آقای رجبی از سؤالتان خیلی تشکر می‌کنم که با ما همراه بودید. ان شاء الله سؤالات عزیزان را پاسخگو باشیم و بعد از آن اگر فرصتی باقی بود به تماس‌های بینندگان برسیم.

عذرخواهی می‌کنیم از عزیزانی که پشت خط هستند و تماس گرفتند، اما متأسفانه فرصت برنامه محدود است و نمی‌رسیم بخواهیم تمام تماس‌ها را پاسخگو باشیم.

حدیث شریف کساء و سژی از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ابتدا جناب آقای سلیمی سؤال پرسیدند که ما در حدیث کساء می بینیم تمامی افرادی که تحت الکساء می شوند، وقتی نام برده می شوند نسبتشان با حضرت فاطمه زهرا مورد عنایت قرار می گیرد. سرّ این مطلب چیست؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در ایام فاطمیه عرض کردیم که حضرت زهراى مرضیه ملاک حقانیت اهل بیت است. از یک طرف پیغمبر اکرم فرمودند:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

آقایان باید بگویند یا حضرت زهراى مرضیه بدون امام و نستجیر بالله به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است که نمی توانند، زیرا روایت دارند:

«فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1360، باب مَنَاقِبِ قَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ، ذيل ح 3507

یا بگویند که با شناخت امام زمان خود از دنیا رفته است. حال ما می پرسیم که امام حضرت فاطمه زهرا چه کسی بود؟! اگر امام حضرت فاطمه زهرا، ابوبکر بود که در روایت آمده است:

«فَعَصِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص
1126، ح 2926

این روایت در کتب صحیحین مفصل آمده است. حضرت صدیقه طاهره در حد شهادت از امیرالمؤمنین دفاع کرده‌اند به همین خاطر شهادت آن بزرگوار به عنوان ملاک حقانیت شیعه مطرح است. بنابراین حضرت صدیقه طاهره محور قرار می‌گیرد.

حال روایتی که در منابع شیعه آمده است:

«لو لاک لما خلقت الأفلاک و لو لا علی لما خلقتک و لو لا فاطمة لما خلقتکما»

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد، نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ج 11، ص 44

سندی ندارد و شاید هم درست باشد، ما نمی‌دانیم. این در حالی است که در روایت داریم اگر امیرالمؤمنین نبود، کفو و همتایی برای حضرت صدیقه طاهره نبود. بنابراین محور خمسه طیبیه حضرت صدیقه طاهره است. ایشان در سؤال دوم پرسیدند که چرا «یؤذینی ما آذاها» آمده است، نه «من آذاها». البته این عبارت در کتاب «صحیح مسلم» جلد 7 صفحه 149 نقل شده است.

وقتی کلمه «ما» می‌آید، فراتر از «من» و به معنای هر آنچه که حضرت فاطمه زهرا را اذیت کند هست. حال ممکن است هرچه از ذوی العقول باشد یا غیر ذوی العقول باشد یا اختیار باشد یا غیر اختیاری باشد. اتفاقاً «ما» از «من» خیلی بالاتر است.

این بدان معناست که هرآنچه حضرت فاطمه زهرا را اذیت کند، مرا اذیت کرده است. اگر «من» می‌خواهید، در کتاب «صحیح بخاری» جلد چهارم صفحه 42 حدیث 3714 و جلد 5 صفحه 85 حدیث 4240 کلمه «من» آمده است.

همچنین «ما» هم در کتاب «صحیح مسلم» آمده است که می‌فرماید: «یؤذینی ما آذاها». قطعاً کلمه «ما» از «من» بالاتر است و کمتر نیست. همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

(يَسْبُحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند.

سوره حشر (59): آیه 24

نه «يسبح له من فى السموات و الارض». این خیلی مهم است.

مجری:

آقا علی از اراک هم ابتدا انتقادی به بعضی از روحانی نماها داشتند که آب در آسیاب دشمن می‌ریزند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگووارم! هرکسی باید در حوزه تخصصی خود پاسخ بدهد. در مورد ما هم بارها اتفاق افتاده است که در خصوص احکام سؤال می‌کنند. احکام را آقایانی که به احکام مسلط هستند پاسخ می‌دهند.

البته بنده اصلاً نظراتی که در حاشیه عروه نوشتم را یادم نیست و حوصله هم ندارم که بروم و نگاه کنم. بنده از آقایانی که مسلط هستند، می‌پرسم که نظر بعضی از آقایان چیست و متوجه اصل مسئله چیست.

بر فرض الحمدلله ما در حوزه علم کلام حدود سی سال زحمت کشیدیم و چنین تخصصی داریم. اگر از بنده در خصوص مسائل تخصصی سؤال کنند، بنده می گویم که نمی دانم. بنده هشت سال بحث خارج فلسفه را خوانده ام، اما تخصصم در این رشته است.

بعضی از بزرگواران هستند که خود را متخصص در علوم مختلف می دانند و بحث هایی مطرح می کنند.

بنده هم فرمایش ایشان را قبول دارم. این ها در حقیقت دستمایه دشمن می شود و سبب می شود در شبکه های مختلف مطرح شود و عقاید جوانان شیعه را متزلزل کنند.

ایشان فرمایشی هم در رابطه با بحث ظهور داشتند. ما در روایت داریم که شما نسبت به ظهور آنچنان باشید که وقتی شب می خوابید، بر این عقیده باشید که فردا صبح ظهور صورت می گیرد.

شما کاری با دیگران نداشته باشید و خودتان را آنچنان صالح قرار بدهید که اگر فردا حضرت ولی عصر اول صبح ظهور کرد، معلوم باشد که شما در کدام صف هستید. آیا در صف مخالفین حضرت هستید یا موافقین حضرت؟!

این یک وظیفه شخصی ماست، اما ما باید تلاش کنیم جامعه را اصلاح کنیم. تا زمانی که جامعه اصلاح نشود، مصلحی نخواهد آمد. جامعه باید زمینه ظهور مصلح را داشته باشد و باید تشنه باشد.

با توجه به بعضی از روایاتی که آمده است نمی توانیم قطعی بگوییم، زیرا در روایت آمده است اگر کسی وقتی برای ظهور معین کرد او را تکذیب کنید به دلیل اینکه آنها دروغ گفتند.

از طرف دیگر با توجه به مسائلی که در جهان صورت گرفته است، منتظر هستیم در این ماه یا این هفته یا همین فردا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ظهور کنند.

خلاف شرع است که بگوئیم خیلی به ظهور مانده است. گفتن اینکه "خیلی به ظهور مانده است" صددرصد اشتباه است. در روایت آمده است:

«يُضْلِحُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَمْرُهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»

خداوند عالم در یک شب امر فرج حضرت ولی عصر را اصلاح می‌کند.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

228، ح 8

مجری:

احسنتم، بسیار خوب. حاج آقا خبر دادند که کمتر از یک دقیقه فرصت داریم. آقایان عزیزان و ثنایی و احمدی و اسرافیل سؤالاتی پرسیدند، سؤالاتی از وهابیون و کسانی بود که مخالف مکتب صحبت می‌کنند.

آقای رجبی سؤالی پرسیدند که خیلی خوشحال می‌شویم مختصر پاسخ بفرمایید. ایشان نسبت به سن امام جواد با توجه به این خصوصیت از امامت که رهبری جامعه است، چطور سازگاری دارد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما روایاتی از امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) خواندیم که وقتی حضرت عیسی در بدو تولد زمانی که چند ساعت از به دنیا آمدنشان نگذشته بود، می‌فرمایند:

(قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا)

یا در مورد حضرت داود آمده است:

(وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا)

و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم.

سوره مریم (19): آیه 12

این قضیه بسیار واضح و روشن است و ما نمی‌توانیم این مسائل را انکار کنیم. در بحث مدیریت جهان اسلام آیا حتماً بستگی دارد به اینکه یک فردی چهل یا پنجاه سال داشته باشد؟!

شایستگی‌هایی در یک فرد هست به طوری که خداوند عالم که می‌تواند به یک انسان چهل ساله این قدرت را بدهد، همین خدا هم می‌تواند این قدرت را به یک کودک شش ساله بدهد.

شما مناظرات و بحث‌های علمی امام جواد را مطالعه کنید. بحث‌های حضرت طوری بود که همه دنیا از تسلط امام جواد مبهوت ماندند.

مخالفین، قوی‌ترین فقیه و عالم خود را می‌آوردند، اما حضرت در یک لحظه بحث‌های او را زیر سؤال می‌برد. آیا چنین شخصیتی در مسائل تدبیر جامعه اسلامی عاجز می‌ماند؟!

مجری:

خیلی زیبا بود. همین مناظره‌ای که انجام شد، یکی از سخت‌ترین شئون‌ات رهبری جامعه است به طوری که مخالف آمده و در جلسه مخالفت خود را اظهار می‌کند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

یکی از این موارد اعلامیت است. زمانی که اعلامیت فردی ثابت شد، دیگر مابقی مسائل در سایه او کاملاً ثابت است و نیازی به این مسائل نیست.

یکی از دوستان قضیه حضرت خضر را مطرح کردند. قضیه حضرت خضر در رابطه با غیبت حضرت ولی عصر مطرح شد. شاید یک ولی غایب از نظرها باشد، اما تصرفاتش در عالم تکوین مرتب صورت می‌گیرد و واسطه فیض است.

علاوه بر این وقتی کودکی را می‌کشد و از آینده خبر می‌دهد یا کشتی را سوراخ می‌کند و از آینده خبر می‌دهد، از علم غیب استفاده می‌کند.

این مسائل نشانگر این است که خداوند عالم در قرآن کریم همه چیز را بیان فرموده است. اگر قضیه حضرت عیسی و حضرت داود نبود، شاید قدری اثبات این مسائل سخت بود.

حال این قضایا همگی آیات قرآن کریم است. **(وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا)** این حکم چیست؟! آیا غیر از حکومت است؟!

مجری:

احسنتم، خیلی ممنون. حاج آقا این جلسه هم از فرمایشاتتان استفاده کردیم. الحمدلله بسیاری از شبهات در ضمن همین جلسه و به میمنت این مناسبت کریمانه و جوادانه الحمدلله پاسخ داده شد و بسیار از محضر استاد استفاده کردیم.

تشکر می‌کنم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند که تا انتهای برنامه همراه برنامه خودتان بودید. ان شاءالله که بتوانیم مشمول شفاعت امام جواد (علیه السلام) و مشمول سخا و جود و کرم این بزرگوار قرار بگیریم. تا دیدار آینده خدانگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته